

شاعری آورده شود.

متافیزیک ارسطو، برگ ۹۹۴ ب، ۳۲ و ۹۹۵ الف، ۶-۸:

تأثیری که آموزش سمعی بر شنونده می‌گذارد، بستگی به عادات او دارد ... بدینگونه، برخی مردمان به گفته گوینده گوش نمی‌دهند مگر آنکه با [برهان] ریاضی سخن گوید، برخی دیگر می‌خواهند «نمونه‌ها» بی به دست دهد، حال آنکه گروه دیگری از گوینده چشم دارند که شاهد از شاعر بیاورد.

می‌بینیم کندی از گفتار ارسطو عدول می‌کند و تنها به ذکر اشکال سنتی آموزش در اسلام بسنده می‌کند، فی‌المثل در اینجا ذکری از ریاضیات به میان نمی‌آورد و آن را موضوع بخش دیگر رساله خود قرار می‌دهد. اصطلاحاتی که او به کار می‌گیرد، اشکال ادبی متداولی هستند که خوانندگان مسلمانانش با آنها آشنایند. ارسطو اصطلاح «پارادیکما» را به کار برده که به معنی «نمونه‌هایی است که از زندگی روزمره برگرفته می‌شود. اسطاط آنرا به «امثال» برگردانده که معادل مناسبی برای این اصطلاح یونانی است. چه بسا کندی و دیگران که احتمالاً با «دیالوگها» ی افلاطونی و انواع دیگر «بحث پارادیکماتیک (نمونه‌وار)» آشنا نبوده‌اند، این اصطلاح را در همان فحوای ادبی اسلامی فهمیده باشند. اسحق بن حنین، مترجم دقیق و محتاط، این اصطلاح را به «شهادة الجماعة» برگردانده، که البته به يك معنی برای خواننده مسلمان تداعی آموزشی را می‌کند که مبتنی بر اجماع امت است.

اسلامی کردن متن، آنجا که کندی بجای «شهادت اشعار» ارسطو، «شهادت اخبار» را می‌گذارد، وضوح بیشتری می‌یابد. غرض از اخبار وقایع، گزارشها و داستانهای انفرادی است که صحت آن را با ذکر زنجیره ناقلان آن خبر تضمین می‌کرده‌اند. خبر به این معنی معادل حدیث است که البته بیشتر برای پیامبر به کار می‌رفته است. البته در متن خبر چه بسا شعر هم می‌آمده، ولی بهر تقدیر کندی اعتبار گواهی شاعر را فرع بر گواهی‌هایی می‌داند که دینی‌تر و معتبرترند و این همه را می‌توان پلی دانست که کندی برای نقل معیارهای فرهنگی یونانی به معیارهای اسلامی می‌زند. فرهنگ‌پذیری البته راه دو طرفه است و در جریان ورود فلسفه یونانی به جهان اسلام، تفکر اسلامی نیز دگرگون گردید و یا بهتر بگوییم بر جنبه‌های عقلانی و جهانی آن تکیه بیشتر شد. بدین‌گونه کندی در اواخر فصل اول کتاب در باره فلسفه اولی

خود، رهیافت فلسفی را بارهیافت دینی برابر می‌نهد: (متن عربی، ص ۱۰۴) [ترجمه فارسی، ص ۶۶]:

چه دانستن حقائق اشیاء، علم ربوبیت و علم وحدانیت و علم فضیلت است و دست یافتن به هر علم سودمندی و نوری جستن و پرهیز کردن از هر چیز زیانمند همه از چیزهایی است که پیامبران راستین از جانب خدا، جل ثناؤه به آن فرمان یافته‌اند؛ پیامبران راستین، صلوات الله علیهم، از پروردگاری خدای یگانه و پرداختن به فضایلی که خشنودی او را فراهم می‌آورد و دست کشیدن از رذایل که در ذات خود با فضایل تضاد دارند سخن گفته و مردمان را بر آن برانگیخته‌اند.

کندی لب وحی پیامبران صادق خدایا، یعنی محمد و موسی و عیسی علیهم‌السلام را صرفاً یا اساساً اندیشه توحید و سلوک اخلاقی می‌دانست. او عملاً تمایز فلسفی میان ذات و اعراض را پذیرفت و آن را همچون معیار ناگفته‌ای در بیان آنچه ذاتیات دین می‌دانست، به کار گرفت و در برابر ظواهر و اعراض دین نهاد. با پذیرش این تمایز، برای «ارکان دین» اسلام، همچون روزه و حج و نماز، دیگر نمی‌توان پایگاه اولی و اصلی قائل شد؛ هر چند که بی‌گمان کندی این احکام را در ذیل مقوله «اعمال اخلاقی» می‌آورد. شگفت نیست که اهل سنت او و اصولاً تمام فلاسفه را با خشم و تردید می‌نگریستند.

البته شك نیست که کوشش کندی در وفق و هماهنگی میان دین و فلسفه صمیمانه بود. و در این راه بی‌گمان وی ارسطورا، حتی آنجا که با رأی او موافق نبود، الگوری فلسفی خود می‌دانست.

رده DSR

فانی، کامران، رده DSR، تاریخ ایران، بازنویسی و گسترش تاریخ ایران در نظام رده‌بندی کنگره. تهیه شده در مرکز خدمات کتابداری. تهران، مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی، مرکز خدمات کتابداری، ۱۳۵۹. بیست و سه + ۱۱۳ ص. ۱۵۰ ریال.

مستقیم یرتلوین طبقه‌بندیهای معارف مکتوب و دیگر منابع اطلاعاتی گذاشته است. علت به وجود آمدن این رابطه را می‌توان در گسترش روزافزون دانش و در توسعه کتابخانه‌ها به عنوان مراکز جمع‌آوری اطلاعات و در نتیجه نیاز به یافتن روشهای منظم علمی، بخاطر دستیابی سریع به اطلاعات، جستجو کرد. طبعا هر قدر حرکت اطلاعات در جامعه پویاتر باشد، روشهای دستیابی نیز دقیق‌تر و پیشرفته‌تر می‌گردد. در زمان حاضر دوروش از میان رده‌بندیهای گوناگون معارف مکتوب بیش از دیگر رده‌بندیها مورد استفاده قرار گرفته است. یکی رده‌بندی دهلی دیوبی و دیگری رده‌بندی کتابخانه کنگره آمریکا^۱. و بحث ما تنها متوجه رده‌بندی کتابخانه کنگره آمریکا است. این رده‌بندی در ۳۶ جلد و شامل چندین هزار صفحه براساس مجموعه عظیمی از معارف مکتوب- بیش از ۲۰ میلیون کتاب در کلیه علوم و به تمام زبانهای عالم- تدوین شده است و گذشته از جامعیت در علوم و دانشهای شناخته شده بشری، علوم و مباحث جدید نیز در هر زمینه مرتباً توسط متخصصان و صاحب نظران به آن اضافه می‌شود.

مطلب را از زاویه دیگری بررسی می‌کنیم. همانطور که اشاره شد در تمدن اسلامی رده‌بندیهای گوناگون از علوم و معارف تدوین گردیده است. لیکن از گذشته هیچ نمونه‌ای از بکار گرفته شدن این رده‌بندیها در تنظیم معارف مکتوب در دست نداریم. و آنچه در مورد تنظیم کتابها در نوشته‌ها می‌یابیم حکایت از روشهای بسیار کلی و ابتدائی دارد. ابن سینا در شرح حال خود می‌گوید^۲ که در کتابخانه نوح ابن منصور سامانی اطاقهای متعددی وجود داشته است مملو از کتابهای به‌رومی هم چیده شده و «در یکی از اطاقها کتابهای زبان عربی و شعر قرار داشت. در اطاق دیگر کتب فقهی و به همین ترتیب هر اطاق خاص کتب در یک علم بود». در وقف نامه رشیدالدین فضل‌الله همدانی آمده است که «مقولات و مصنفات خاصه را» در سوی راست کتابخانه و «مقولات» را در سوی چپ بگذارند و اگر نشد و چیزی از هر سوی افزوده آمد در سوی دیگر بنهند^۳.

بدون تردید تدوین و به‌کار بردن رده‌بندیهای منظم و بزرگ در کتابخانه‌ها با تاریخ پرتلاطم ایران سازگار نبوده است. چند نمونه برای روشن شدن موضوع کافی خواهد بود: در قرن هشتم کتابخانه وقتی رشیدالدین فضل‌الله همدانی را با شصت هزار کتاب- به‌روایتی هفتاد هزار جلد- سوزانیدند^۴. در قرن دهم در موقع حمله ازبکها به مشهد قرآنهای قیمتی و دیگر کتب عربی و فارسی کتابخانه به تاراج رفت^۵. در قرن گذشته تعدادی از نفیس‌ترین کتب

۱. قطبی. إخبار العلماء بأخبار الحكماء (قاهره، مطبعة السعادة). ص ۲۴۱.
۲. ابن الندیم. الفهرست. تحقیق رضا تجدد. (تهران، ۱۳۵۰). ص ۳۱۵.
۳. کندی. درباره فلسفه اولی. ترجمه احمد آرام (تهران، سروش، ۱۳۶۰). ص ۶۵.
۴. همان. ص ۲۲، ۶۵-۶۶.
6. N. Resher. *Al-Kindi: an Annotated Bibliography* (Pittsburg, 1964).
7. *Al-Kindi's Metaphysics*. translated by Alfred Ivry. (Albany, 1974).
8. مقدمه الاهوانی بر کتاب نامه کندی... در فلسفه اولی، ص ۴۷.
9. Aristoteles. *Metaphysics*. text and notes by W. D. Ross. (Oxford, 1965).
10. M. Moosa. Al - Kindi's Role in the Transmission of Greek Knowledge to Arabs, *Journal of Pakistan Historical Society*, 15 (1967): 1-18.
۱۱. عنوان این مقاله «فلسفه اولی کندی و متافیزیک ارسطو» است که در کتاب مقالاتی درباره فلسفه و علوم اسلامی، ویراسته جورج حورانی به چاپ رسیده است. مشخصات اصل انگلیسی از این قرار است:
Essays on Islamic Philosophy and Science. edited by George Hourani (Albany, University of New York, 1976) (pp. 15-25).
۱۲. درباره استفاده کندی از ارسطو و افلوطین نگاه کنید به مقاله من (الفرد-ایوری):
Al - Kindi as Philosopher: The Aristotelian and Neoplatonic Dimensions, *Islamic Philosophy and the Classical Heritage*. ed. S. M. Stern. (Oxford, 1972) pp. 117-39.
۱۳. درباره یحیی نحوی نگاه کنید به مقاله زیر:
H. Davidson, "John Philoponus as a Source of Medieval Islamic Proofs of Creation", *Journal of American oriental Society*, 89 (1969): 357-91.
14. Cf. M. Marmura and J. Rist, "Alkindi's Discussion of Divine Existence and Oneness", *Medieval Studies*, 25 (1963): 338-54.
۱۵. نگاه کنید با یادداشت شماره ۱۰.
۱۶. درباره نهضت ترجمه و انواع متون فلسفی موجود در این دوره نگاه کنید به:
F. Peters, *Aristotle and the Arabs* (New York, 1963) and *Aristoteles Arabus* (Leiden, 1963).
۱۷. نگاه کنید به یادداشت شماره ۱۲.
۱۸. فرونيس و تیموثوس دو شاعر موسیقیدان اهل آن در قرن پنجم قبل از میلاد بودند.

تاریخ ایران

نوش‌آفرین انصاری

مقدمه

رده‌بندی علوم و معارف بشری از دیرزمان توسط فلاسفه و دانشمندان انجام شده است و نمونه‌های زیادی از این گونه طبقه‌بندیها در تمدنهای آسیائی و در تمدن اسلامی و تمدن غربی در دست داریم. هدف اصلی این رده‌بندیها را می‌توان نیاز به نظم و نیاز به نمایش گذاشتن ارتباط بین کل و جزء در هر علم و در نشان دادن ارتباط بین علوم دانست. در تمدن غرب رده‌بندیهای علوم اثر

مقبره شیخ صفی در اردبیل به دست سپاهیان روس افتاد که آن را به پترزبورگ بردند و امپراطور روس این مجموعه را به عنوان غنیمت جنگی تصرف و به کتابخانه عمومی شهر واگذار کرد. از سوی دیگر اگر به دوره های صلح و امنیت نسبی نظر بیافکنیم با غول استبداد روبرو می شویم که توان تولید و توسعه و حرکت معارف مکتوب را بسختی محدود می کرده است. در این جا نیز تنها به ذکر دو مثال بسنده می کنیم. در دوران ناصری میرزا یوسف خان مستشاراللوله را به فجیع ترین وضعی به زندان قزوین بردند و به روایتی کتاب يك كلمه او را آن قدر به سرش زدند که پیرمرد چشمانش آب آورد. در دوران پهلوی فرخی یزدی، شاعر و روزنامه نویس، را به زندان قصر انداختند و پس از آزار فراوان جانش را گرفتند.^{۱۱}

ولی بهرحال در طول شصت سال گذشته چندین مجموعه نسبتاً بزرگ از معارف مکتوب به وجود آمد که به گفته ایرج افشار بیشتر «کتاب انبار» بوده اند تا «کتابخانه»^{۱۲}. و در این جا رسالت کتابداری ایران و کتابداران ایرانی مطرح می گردد. از آنجا که کوشش هر کتابداری در این است که يك رابطه پویا بین نویسنده و یا فرستنده پیام و گیرنده و یا خواننده پیام به وجود آورد طبعاً برای تنظیم کتابخانه خود دنبال روشی می رود که این ارتباط را بتواند در کمترین زمان و به بهترین و منطقی ترین وجهی فراهم سازد. و طبعاً باید روشهای نظم صوری از قبیل نظم براساس شماره مسلسل کتاب و یا قطع کتاب جای خود را به يك رده بندی منظم علمی بدهد. در اینجا دوره مطرح می شود یکی ابداع يك روش رده بندی در کلیه علوم و دیگر ترکیب نیازهای فرهنگی ایرانی با رده بندیهای جهانی. در این مورد با نظر خانم پوری سلطانی که می گوید «اگر می خواستیم تمام علوم را از نو رده بندی کنیم تحصیل حاصل می نمود و جز دوباره کاری و هدر دادن وقت نیروی متخصص و اتلاف بودجه کاری نکرده بودیم»^{۱۳} موافق هستیم. و فکر می کنم موضع مرکز خدمات کتابداری مبنی بر اینکه تا آنجا که رده بندیهای بزرگ جهانی به درستی جوابگو هستند باید از آنها استفاده کرد و از آنجا که پاسخگوی نیازهای معارف مکتوب و کتابخانه های ایرانی نیستند باید در جهت تدوین رده بندیهای جدید دست به کار شد، درست است. به گفته کامران فانی: «طبیعی است که رده بندیهای فرنگی در اساس پاسخگوی نیاز کتابخانه های غرب است و برای رفع این نیاز تدوین شده است ولی این رده بندیها در مباحث و مسائل خاص فرهنگ ملل و اقوام دیگر - بویژه شرق و اسلام - کاستیها و کژیهای بسیار دارد و این بر عهده ماست که در

رفع و جبران این نقائص بکوشیم و کاری را که آنان درباره فرهنگ و تمدن خود کرده اند به يك معنی ما هم در حق فرهنگ خود به انجام رسانیم»^{۱۴}. و مرکز خدمات کتابداری با توجه به همین هدف از بدو تأسیس در تدوین گسترشهای اختصاصی کوشیده است.^{۱۵} آنچه را که باید در این جا به آن اشاره کرد و بر آن ارجح نهاد میزان کار علمی و تحقیقی است که در ساخت این رده بندیها به کار گرفته شده است. و اینکه «کد» یا رمز مخصوصی که برای مشخص کردن هر يك از مباحث مندرج در این رده بندیها انتخاب گردیده يك مسأله فرعی است. به عنوان مثال در گسترش رده بندی اسلام در روش کنگره يك نگرش تحقیقی بر معارف مکتوب اسلامی گرفته شده است.^{۱۶} و چنانچه کتابخانه ای نخواهد از روش کد گذاری کنگره استفاده نماید، می تواند علائم و یا رمزهای دیگری را انتخاب نماید و ساخت منطقی رده بندی بر جای خواهد ماند. در مورد گسترش تاریخ ایران، فانی پس از مطالعات فراوان فلسفه و اصول کلی و ترتیب و توالی رده بندی کنگره را برای ارائه معارف مکتوب در تاریخ مناسب دانسته (ص هفت و هشت)^{۱۷} و اگر چنین دریافتی نمی داشت او نیز ساخت کلی کار خود را عوض می کرد.

معرفی گسترش تاریخ ایران

اینک می پردازیم به معرفی گسترش تاریخ ایران. در مقدمه کتاب گستره واژه تاریخ مشخص گردیده است: «غرض از تاریخ در این رده صرفاً تاریخ سیاسی نیست، دامنه شمول آن بسی گسترده تر است و تمدن و فرهنگ و تاریخ اجتماعی و آداب و رسوم و جغرافیای تاریخی و سیر و سیاحت و باستان شناسی و قوم شناسی و بسیاری از مباحث مشابه را در برمی گیرد» (ص. هفت). در مورد تعریف واژه ایران باز هم به گفته فانی مشکلات رده بندی تاریخ ایران بسیار است. ولی مشکل اساسی خود لفظ «ایران» است و حدود و حدود و حوزه آن که طی هزاران سال فراز و نشیبهای بی شمار بخود دیده است. بهرحال در این رده بندی «ملاک کلی تداوم تاریخی و ماهیت فرهنگی بوده است نه مرزهای جغرافیائی اکنون و گذشته». از نظر گسترش زمانی این کتاب تاریخ ایران را از قدیمترین زمان تا استقرار جمهوری اسلامی در ایران در برمی گیرد.

این رده بندی شامل قسمتهای زیر است:

مقدمه (ص يك - هفده)

نام کشورهای جهان به ترتیب الفبائی با شماره کاتر^{۱۸} (ص هجده

- بیست و دو) خلاصه رده بندی (ص بیست و سه)
متن رده بندی شامل ۴ بخش.

بخش اول: (ص ۱-۳)

- آثار کلی راجع به سرزمین ایران

- جغرافیا

- باستان شناسی

- تمدن و فرهنگ

- قوم شناسی

بخش دوم: (ص ۴-۶)

- تاریخ عمومی ایران

- زندگینامه های کلی

- تاریخ نگاری

- تاریخ نظامی

تاریخ ایران را بطور کامل و با جزئیات در برمی گیرد. به جهت اهمیت خاص باستان شناسی در تاریخ ایران، برخلاف طرح اصلی رده بندی کنگره، در این رده بندی باستان شناسی از نظر دوره و منطقه گسترش داده شده است. بیشترین صفحات رده بندی به ادوار تاریخی اختصاص داده شده است و به گفته فانی: «تقسیم بندی تاریخ ایران بعد از اسلام و تعیین نام و تاریخ و توالی و ترتیب این سلسله ها در واقع مشکلترین بخش این رده بندی بود».

(ص دوازده)

در مورد انتخاب نحوه رمز گذاری و یا شماره گذاری رده بندی در مقدمه (ص شانزده) چهار روش که ممکن بوده است یکی از میان آنها انتخاب شود توضیح داده شده است و آنچه برای این رده بندی مناسب دیده شده پذیرفتن رده جدیدی است - DSR - که قبلاً به کار نرفته است (شیوه اول) و دست کسانی را که رده بندی می نویسند کاملاً بازمی گذارد ولی این عیب را هم دارد که تاریخ ایران ناگزیر در محل جغرافیائی خود قرار نمی گیرد و به انتهای تاریخ آسیا منتقل می شود (ص شانزده) و شماره های به کار برده شده در طبقه DSR از ۱ تا ۱۵۵۲ می باشد. و با توجه به مقدمه روشن و دستورالعملهای پراکنده در متن استفاده از این رده بندی به سهولت امکان پذیر است.

در این رده بندی تاریخ ایران به دودوره مهم قبل و بعد از اسلام تقسیم شده است. و دوره بعد از اسلام براساس قرن تقسیم بندی جزئی تر شده است و در هر تقسیم بندی جزئی تر سلسله ها به ترتیب تاریخ تأسیس به دنبال هم آمده اند. و در زیر هر سلسله يك تقسیم بندی موضوعی کم و بیش ثابت و مکرر به شرح زیر آمده است:

اسناد و مدارک

آثار کلی

آثار جزئی، جزوه ها و غیره

فرهنگ و تمدن، اوضاع اجتماعی و اقتصادی

جنبه های اختصاصی

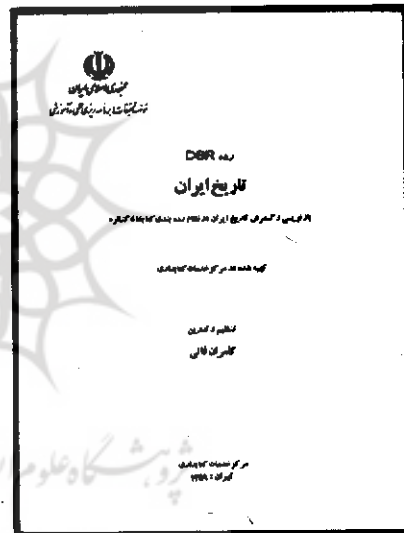
تاریخ نظامی

تاریخ دیپلماسی

سفرنامه ها، سیروسیاحت

سرگذشت نامه ها و خاطرات معاصران آن دوره

و پس از آن نام فرمانروایان هر سلسله به ترتیب جلوشان ذکر گردیده و زیر هر يك بر اساس نیاز تقسیم بندی موضوعی شده است. به گفته فانی «کوشیده ایم که فهرست جامع و کامل



- تاریخ دیپلماسی

بخش سوم: (ص ۶-۷۷)

- تاریخ دوره ها و سلسله ها (ادوار تاریخی)

بخش چهارم: (ص ۷۹-۹۴)

- تاریخ محلی استانها و شهرها و روستاها و تاریخ خلیج

فارس و دریای عمان و دریاچه ها و مردابها و رودها (به

ترتیب الفبا با شماره کاتر)

فهرست الفبائی (ص ۹۷-۱۱۳)

در مقدمه رده بندی به تفاوت های آن با رده بندی تاریخ ایران در کتابخانه کنگره اشاره شده است: رده بندی اصلی پنج صفحه است^{۱۸} در حالیکه این رده بندی بیش از صد صفحه می باشد و

سلسله‌های ایرانی را در این رده بندی بیاوریم. در ارقام و سنین راجع به سلاطین و سلسله‌ها در کتابها و جدولهای مستند تاریخی تناقضات بسیار به چشم می‌خورد. در تمام موارد اطلاعات این منابع را باهم سنجیده ایم و نتیجه این بخش را آورده ایم» (ص دوازده). ایکاش لااقل مهم‌ترین این منابع به صورت کتابشناسی در انتهای این رده بندی آمده بود.

موضوع اساسی را که باید بدان توجه نمود این است که غرض از ذکر نام سلسله‌ها و شاهان و فرمانروایان توجه به دوره آنها بوده است نه صرفاً خودشان و شرح احوال و جنگهایشان (ص سیزده).

در این رده بندی که راهنمای جامعی از سلسله‌های ایرانی است نام بسیاری از مورخان و چهره‌های تاریخی در ایران آمده است از باب مثال ابوالفضل بیهقی (ص ۳۶)، میرزاهمدیخان استرآبادی (ص ۶۱)، بهرام چوبین (ص ۲۰)، محمدابن حسین ابن العمید (ص ۳۱)، محمدبن منصور خوارزمی (ص ۳۸)، ستارخان (ص ۷۱). و در موارد بسیاری جنگها و قراردادهای به نام آمده است. به عنوان مثال قنوج و سومنات (ص ۲۵)، چالدران (ص ۶۵)، قرارداد ۱۹۱۹ (ص ۷۲). و نیز توجه به مسائل و جنبه‌های تاریخی و اجتماعی خاص هر دوره شده است. به عنوان مثال علل انقراض ساسانیان (ص ۲۱)، فدائیان (اسماعیلیان) (ص ۴۰)، فتودالیسم و شهرنشینی مغولان (ص ۴۵)، کاپیتولاسیون (قاجاریان) (ص ۶۴)، واقعهٔ تنباکو (ناصرالدین شاه) (ص ۶۶)، ملی شدن نفت (ص ۷۵) و کنفدراسیون دانشجویان ایرانی (ص ۷۶).

حال به گونه‌ای دقیق‌تر محتوی این رده بندی را بنگریم. نخست آن را از نظر صحت در ضبط و توالی سلسله‌ها بررسی کنیم. از آنجا که این بررسی برای تمام رده بندی در قسمت سلسله‌ها مقدور نبود از دوره اسلامی آن براساس قرن یک انتخاب اتفاقاً بعمل آمد و قرعه به قرعه به قرن ۴ و ۵ بعد از اسلام اصابت کرد. در این دو قرن از ۱۶ سلسله نام برده شده است (ص ۳۰-۳۶). نام این سلسله‌ها با کتب معروف سلسله‌شناسی یعنی لین پول^۱، زامباور و بوسورث^۲ به مقایسه گرفته شد. آنچه در این قسمت از رده بندی آمده ترکیبی است تکمیل شده از هر سه کتاب و نیز کتب دیگر از جمله کتاب شهریاران گمنام تألیف احمد کسروی^۳. در این جا چند نکته بنظر رسید که شاید ذکر آن مفید باشد. در کتاب بوسورث^۲ نام سلسلهٔ روادیان تنها در قرن چهارم آمده است و این سلسله را در رده بندی فانی در جای خود نمی‌یابیم. با مراجعه به

فهرست روشن می‌گردد که سلسله روادیان در قرن ۱ و ۲ آمده است (ص ۲۵) با ذکر دو سلسله. سلسلهٔ اول ۱۹۸-۲۳۵ هجری قمری و سلسلهٔ دوم ۳۴۴-۴۵۰ هجری قمری. در این مورد فانی رأی کسروی را هم در مورد ترکیب دو سلسله و هم در مورد تاریخ تأسیس و انقراض پذیرفته است^۴. فانی تاریخ تأسیس سلسلهٔ مأمونیان را حدود ۳۰۰ هجری قمری آورده است (ص ۳۴) در حالی که زامباور^۲ و بوسورث^۲ این تاریخ را ۳۸۵ ضبط کرده‌اند بنظر می‌رسد که این تاریخ صحیح‌تر باشد. در مورد نام حکمرانان سلسلهٔ آل عراق (ص ۳۳) بنظر می‌رسد ابوسعید کنیهٔ احمدابن احمد است و نه فرمانروای دیگری آنگونه که ذکر شده است. دوم، صحت تاریخهای ذکر شده را مورد بررسی دقیق قرار دادیم. برای انجام این کار با توجه به تعداد زیاد تاریخها ناگزیر از نمونه‌گیری شدیم. و تاریخ میانی هر پنجمین صفحه را از شروع رده بندی انتخاب نمودیم و تاریخهای به دست آمده را براساس تاریخ ایران^۳ و بوسورث سنجیدیم. از این سنجش جدول زیر را به دست می‌دهیم:

صفحه رده بندی	پادشاه یا سلسله	تاریخ رده بندی	تاریخ بر اساس مراجع
۵	—	—	—
۱۰	کسریجه	۵۲۹ - ۵۲۲ ق. م.	۵۲۹ - ۵۲۲ ق. م.
۱۵	مهرزاد دوم	۱۲۲ - ۸۷ ق. م.	۱۲۲ - ۸۷ ق. م.
۲۰	خسرو پرویز	۵۹۰ - ۶۲۸ م.	۵۹۰ - ۶۲۷ م.
۲۵	روادیان	سلسله اول ۱۹۸-۲۳۲	قرن چهارم - ۱۶۲ ق. م.
۳۰	روادیان	سلسله دوم ۳۲۲-۲۵۰	از آغاز قرن چهارم - ۱۶۲ ق. م.
۳۵	محمد غزنوی	۳۸۲ - ۲۲۱ ه. ق.	۳۸۸ - ۲۲۱ ه. ق.
۴۰	اسماعیلیان	۴۸۳ - ۶۵۲ ه. ق.	۴۸۳ - ۶۵۲ ه. ق.
۴۵	هولاکو	۶۵۱ - ۶۶۲ ه. ق.	۶۵۲ - ۶۶۲ ه. ق.
۵۰	مظفریان	۷۱۳ - ۷۹۵ ه. ق.	۷۱۳ - ۷۹۵ ه. ق.
۵۵	اوزون حسن	۸۵۷ - ۸۸۲ ه. ق.	۸۵۷ - ۸۲۲ ه. ق.
۶۰	استیلاي افغانه	۱۱۳۵ - ۱۱۲۲ ه. ق.	۱۱۳۵ - ۱۱۲۰ ه. ق.
۶۵	قنقلیشاه قاجار	۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ ه. ق.	۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ ه. ق.
۷۰	—	—	—
۷۵	مصطفی محمد	۱۲۶۱ - ۱۳۲۵ ه. ق.	۱۲۶۱ - ۱۳۲۵ ه. ق.

- تاریخ میلادی سلطنت محمد علی میرزا (۱۹۰۶-۱۹۰۷) نادرست است.

- در مورد تاریخهای نامشخص گذاشتن علامت اختصاری «ح» در سراسر رده بندی به طور یکتواخت اعمال شود. به عنوان مثال سلسله لنگریان ۳۰۴ هـ. ق. بدون ذکر حدود آمده است (ص ۳۰). مورد دیگر سلسله جستانیان که تنها قرن ۲ برای تأسیس آن داده شده (ص ۳۰) در حالی که کسروی ۲۰ روشن می نماید که تأسیس این سلسله در حدود ربع آخر قرن دوم است. البته باید اضافه کرد که این سلسله از نظر زمان در جای صحیح خود قرار گرفته است.

ضبط اسامی. ضبط اسامی سلسله ها و شاهان و فرمانروایان و دیگر افراد مذکور در رده بندی به طور کلی با دقت و هماهنگی انجام گرفته است. چند نکته بنظرم رسید که ذکر می کنم. در (ص ۶۷) میرزا تقی خان امیر کبیر به صورت امیر کبیر، تقی آمده است. راستش هر چه خواستم خودم را راضی کنم و چند بار هم زیر لب گفتم تقی امیر کبیر به دلم نجسید. بهر حال اگر در این رده بندی این صورت مورد قبول است پس در همان صفحه «خانی» فرخ خان امین الدوله و «میرزائی» علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه هم باید حذف گردد. باز در همان صفحه نام کوچک اعتماد السلطنه اضافه گردد و نام پدر (میرزا) حسین خان سپهسالار حذف شود.

ارجاعات. فهرست طبقه بندی بسیار دقیق تنظیم شده است و کمک مؤثری می کند برای راه یافتن سریع به موضوع مورد نظر در متن طبقه بندی. در مورد سلسله بنی کاکویه، در اصل طبقه بندی دیالمه کاکویه (ص ۳۳) آمده است و در فهرست ارجاعی از کاکویه به دیالمه نیامده و از آنجا که در کتب سلسله شناسی بیشتر بنی کاکویه ضبط شده است ارجاع از بنی کاکویه به دیالمه کاکویه شاید بی فایده نباشد. در مورد سلسله احمدیلیان (ص ۴۲) نام این سلسله در فهرست نیامده است.

دستور العملها. دستور العملهای مذکور در متن طبقه بندی روشن و بسیار مفید است. به یکی دو مورد جهت تکمیل نمودن آن اشاره می کنم. در مورد به کار بردن الفبا (أ - ی) برای تنظیم سرگذشته ها مطلب در اسماعیلیان (ص ۴۰)، ارغون (ص ۴۸)، زندیان (ص ۶۲) تکمیل بشود. در مورد دستور العمل طبقه بندی کردن آثار غیر از تاریخ در قسمتهای دیگر طبقه بندی بیهقی (ص ۳۶) و فراماسونری (ص ۶۳) تکمیل گردد.

لفزشهای چاپی. طبقه بندی دارای برخی اشتباهات چاپی است که تعدادی از آنها را ذکر می کنیم:

سوم، جامعیت رده بندی را نسبت به دو حرکت بزرگ اجتماعی و سیاسی در تاریخ ایران سنجیدیم: جنبشهای ایرانی در قرن دوم و انقلاب مشروطیت. در رده بندی تاریخ ایران پس از حکومت اعراب و اسلام آوردن ایرانیان و اسلامی شدن ایران و توجه به وضع سیاسی فرقه هادر قرن اول و دوم (ص ۲۲-۲۳) موضوع جنبشهای ملی در ایران مطرح شده است و در قسمت جنبشهای خاص به ابومسلم، اسحاق ترک، سنباد، مقنع، استادسیس، بهافرید و خرمندینان توجه شده است (ص ۲۳-۲۴) و به هر يك شماره خاص تعلق گرفته است.

به موضوع انقلاب مشروطیت تا استبداد صغیر ۱۳۲۶، ۲۲ شماره تخصیص داده شده است (ص ۶۸-۶۹). برای نمایاندن دقت تاریخی فانی و توجه او به حجم کتب در این زمینه برخی از موضوعات مندرج در این قسمت را ذکر می کنیم: در آنجا که علل و منشأ مشروطیت را می نمایاند به اوضاع پیش از مشروطه، تحریم تنباکو، نقش روحانیت و فراماسونری توجه دارد. در قسمت نشریات ادواری در کنار روزنامه ها، شب نامه ها را ذکر نموده است و در جنبه های اختصاصی انقلاب از اولین کمیته انقلاب در سال ۱۳۲۲ هـ. ق.، ماجرای قند، تحصن و بست و عبدالخان نام برده است. در قسمت سرگذشته های دوره مشروطیت (ص ۷۰-۷۱) به طور نمونه از میرزا آقاخان کرمانی، سید جمال الدین اسدآبادی، سید جمال الدین اصفهانی، باسکرویل، علی مسیو و ملکم خان نام برده شده است. دستور العمل تنظیم شرح حال افراد در هر دوره بر اساس نام خانوادگی با استفاده از جدول کاتر دست کتابداران را برای جا دادن کلیه شرح حال ها باز می گذارد.

برخی تذکرات اصلاحی

تاریخها. ذکر تاریخ هجری قمری در سراسر رده بندی به طور یکتواخت اعمال شود. به عنوان مثال تاریخ شدادیان (ص ۳۴) تاریخ فرمانروایان مأمونیان (ص ۳۴) و تاریخ سلطنت محمد بن ملکشاه (ص ۳۸) نیامده است.

- در مورد تاریخ ۱۳۰۴ (ص ۷۳) چون اولین برخورد با تاریخ هجری شمسی است بهتر است ذکر شود.

- قرار دادن تاریخ میلادی در کنار تاریخ هجری قمری و یا شمسی در سراسر رده بندی به طور یکتواخت اعمال شود. به عنوان مثال سریداران (ص ۵۱)، استیلای افاغنه (ص ۶۰)، سه نفر از سلسله زندیه (ص ۶۲)، انقلاب مشروطیت (ص ۶۹) و محمد مصدق (ص ۷۵) بدون ذکر تاریخ میلادی آمده است.

نوار تاریخی (ص ۵) ← نوار تاریخی
 بیاد (ص ۶) ← باید
 نفوذ عرب (ص ۶۴) ← نفوذ غرب
 مادرك (ص ۶۶) ← مدارك
 محاصران (ص ۶۷) ← معاصران
 با فروش (ص ۸۴) ← بار فروش

کاربرد گسترش تاریخ ایران

بدون تردید صرف وقت فراوان آقای فانی و دیگر همکارانشان تنها برای ارثه يك کار تحقیقی در تاریخ ایران نبوده است و نظر به حرکت سهل تر اطلاعات در جامعه ایرانی و در کتابخانه‌های ایران داشته‌اند. کاربرد گسترش تاریخ ایران را نخست به عنوان يك طبقه بندی کتاب در کتابخانه و سپس به عنوان يك کتاب مرجع به اختصار کامل بررسی می‌کنیم:

در مورد کتابخانه‌ها با آشفته بازاری روبرو هستیم که به علت عدم توجه به تحقیق و تجسس از پویایی و تحرك برخوردار نیستند. به هر حال کتابداران کتابخانه‌های بزرگ ما^{۳۱} وقتی با طرح رده بندی جدیدی روبرو می‌شوند مسائلی دارند که برخی از مسائل آنها را مطرح می‌کنیم. کتابداران توجه دارند که تعداد زیادی کتاب در باره تاریخ ایران به زبانهای مختلف در جهان نشر می‌گردد و سرو کارشان تنها با کتب فارسی نمی‌تواند باشد و نیز واقف هستند که هیچ مرکزی در ایران مسؤول مبادله یا خرید و تهیه و فهرست نویسی و رده بندی متمرکز برای کتابهایی که مربوط به ایران می‌باشد نیست.^{۳۲} از سوی دیگر بیشتر کتابهای چاپ شده در ایران و در خارج از ایران به کتابخانه کنگره یا یکی از کتابخانه‌های دانشگاهی آن دیار راه می‌یابد و از آنجا که تغییر رده بندی در آن کتابخانه‌ها به سهولت امکان ندارد کتب بر اساس DS رده بندی می‌شوند و نیز دیر یا زود به NUC^{۳۳} راه می‌یابند. در این جا کتابداران ایرانی بر سر دو راهی قرار می‌گیرند یا باید از روش جهان شمول کنگره استفاده نمایند و از NUC بهره ببرند و یا خود به تنهایی گسترش تاریخ ایران را مورد استفاده قرار بدهند. به گمان من اتخاذ روش دوم وظیفه هر کتابدار ایرانی است. اگر کتابداران ایران خواسته باشند از سلطه غرب و بندگی ابزارها (در این مورد NUC) و به قول آذرنگ از لیبروکرات (Librocrat) بودن قلمی فراتر نهند، باید بیاموزند که خودشان در این زمان بیشتر از قبل به انجام رده بندیهای مستقیم دست بزنند. شاید اصطلاح یا

شعار «ایرانی جنس ایرانی بخر» پایگاه فکری مرا روشن گردانند. البته در این جا باید تذکری به مسؤولان داده شود وان اینکه پناه بردن ما «به غیر» در بسیاری از موارد بخاطر عدم ثبات است که در درون وجود دارد. بیابید بخاطر انقلاب و بخاطر بهروزی معارف در این سرزمین موضوع تأسیس يك کتابخانه ملی واقعی را جدی تلقی کنید، تا بدین ترتیب بتوان برای توسعه کتابخانه‌ها، تنظیم منطقی آنها، چاپ رده بندیها و کتابشناسیها و جلوگیری از دوباره کاریها اقدام نمود. گیرم که من کتابدار در لوای شعار «ایرانی جنس ایرانی بخر» يك کتابخانه دو هزار جلدی تاریخ ایران را با هزار اشکال و دو سال کار از طرح اصلی کنگره به گسترش ایرانی فانی تبدیل کردم و آن وقت متوجه شدم که مرکز خدمات کتابداری تعطیل شده است و خبری از دنباله کار گسترش تاریخ ایران و اضافات و تغییرات آن نیست. آن وقت چه خواهم کرد؟ مرکز خدمات کتابداری در حال حاضر چنانچه بتواند کار چاپ برگه برای کتب فهرست شده را دنبال کند بدون تردید از این پس شماره‌های جدید گسترش تاریخ را در ذیل کارتهای خود قرار خواهد داد. پیشنهاد می‌کنم لااقل تا مدتی هر دو شماره در DS و در DSR داده شود. توصیه دیگرم این است که موضوع اضافات و تغییرات در گسترشها و میزان پویایی و امکانات مرکز در حال حاضر برای کتابداران روشن شود. و نیز جزوه جامعی به عنوان يك دستور العمل تغییر رده بندی در کتابخانه‌ها با نشان دادن روشهای عملی این کار برای راهنمایی کتابداران منتشر گردد.

در این رهگذر رسالت خاصی بر عهده مراکز آموزش کتابداری است. پس از بازگشایی دانشگاهها باید در برنامه‌های آموزش کتابداری شناخت عمقی از گسترشهای موجود مورد تأکید و تجزیه و تحلیل قرار بگیرد تا کتابداران ایرانی قادر گردند خودشان رأساً و با سهولت کتب مربوط به این موضوعات را رده بندی نمایند و نیز بخاطر همان شناخت عمقی در مورد استفاده از دیگر جداول صاحب نظر و رأی گردند و این امکان باشد که از میان این دانشجویان کتابشناسان و رده بندی نویسان برجسته‌ای برخیزند.

با آنچه در صفحات قبل از محتوی گسترش تاریخ ایران و طرز تدوین آن گفته شد باید برای کتابداران روشن شده باشد که از این کتاب می‌توان به عنوان يك راهنمای تاریخ ایران استفاده نمود و من گذاشتن این کتاب را در میان کتب مرجع به کلیه کتابخانه‌ها توصیه می‌کنم.

در خاتمه برای همکارانم در مرکز خدمات کتابداری آرزوی

19. Random Selection

۲۰. استانیلی لین پول. طبقات سلاطین اسلام... ترجمه عباس اقبال (تهران: کتابخانه مهر، ۱۳۱۲)
۲۱. زامباور. معجم الاسباب والاسرات الحاكمة فی تاریخ الاسلامی، ترجمه زکی محمد حسن بیک و دیگران (قاہرہ: الادارہ الثقافیہ بجامعہ الدول عربیہ، ۱۹۵۱).
۲۲. کلیفورد ادموند بوسورت. سلسله‌های اسلامی، ترجمه فریدون بدره‌ای (تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ، ایران، ۱۳۴۹).
۲۳. احمد کسروی. شهریاران گمنام (تهران: امیر کبیر، چاپ سوم ۱۳۵۳).
۲۴. بوسورت، همان مأخذ: ۱۴۳.
۲۵. کسروی. همان مأخذ: ۱۵۵-۱۵۶ و ۱۶۵-۲۱۵.
۲۶. زامباور. همان مأخذ: ۳۱۶.
۲۷. بوسورت. همان مأخذ: ۱۶۶.
۲۸. حسن پیرنیا (مشیر الدوله)، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان، به کوشش محمد دبیر سیاقی (تهران: کتابخانه خیام، بی‌تا).
۲۹. محمد مصطفی. تقریرات مصنف در زندان، یادداشت شده توسط جلیل بزرگمهر، تنظیم شده بکوشش ایرج افشار (تهران: سازمان کتاب، ۱۳۵۹).
۳۰. کسروی، همان مأخذ: ۳۸ به بعد.
۳۱. بدیهی است تنها کتابخانه‌های بزرگ باید از چنین رده بندی جامعی استفاده نمایند. و از میان کتابخانه‌های تهران تنها دو کتابخانه بزرگ از روش رده بندی کنگره استفاده می‌کنند: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه سنای سابق (مجلس شورای اسلامی). کتابخانه ملی در آغاز راه رده بندی است، کتابخانه‌های مجلس شورای ملی و دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران متخصص در کتابداری ندارند. دیگر کتابخانه‌های دانشگاهی در تهران و در شهرستانها با توجه به میزان کتب در زمینه تاریخ ایران و داشتن متخصص در کتابداری امکان بکار بردن رده بندی تاریخ ایران را بررسی خواهند نمود.
۳۲. صورت کتب فهرست شده در مرکز خدمات کتابداری کوشش محدودی است که بیشتر کتب فارسی را در بر می‌گیرد.
۳۳. National Union Catalog (N.U.C.) فهرست مشترک کتابخانه‌های تحقیقاتی آمریکا و کانادا. در این فهرست مشترک عکس برگه فهرست نویسی شده کامل هر کتاب به زبان اصلی آمده است و استفاده از NUC یعنی رونویس کردن برگه‌ها، کار کتابداران را بسیار سهل می‌نماید.

۱. نگاه کنید به: سید حسین نصر. علم و تمدن در اسلام. ترجمه احمد آرام (تهران: نشر اندیشه، ۱۳۵۰): ۴۵-۵۱ و احمد طاهری عراقی. علوم دینی اسلام در نظام رده بندی کتابخانه کنگره (تهران: مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی. مرکز خدمات کتابداری، ۱۳۵۸): ۲۵-۳۵.
۲. به نظر می‌رسد معرفی این دو رده بندی همراه برخی از رده بندیهای متداول دیگر برای اولین بار در مقدمه جلد اول فهرست کتابخانه مجلس (تهران: مطبوعه مجلس، ۱۳۰۵): الف - ه انجام گرفته است و با اینکه این فهرست نام فهرست نویسی را ذکر نکرده است آقای عبدالحسین حائری گمان می‌کنند از یوسف اعتصامی (اعتصام الملك) است.
3. Ibn sina, *The Life of Inn Sina*, a critical edition and annotated translation by W. E. Gohlman (New York: State University of New York Press, 1974): 37.
۴. رشیدالدین فضل الله همدانی. سوانح الافکار، بکوشش محمد تقی دانش پژوه (تهران: انتشارات کتابخانه مرکزی، ۱۳۵۸): ۶.
۵. همان مأخذ ص ۷.
۶. اسکندر بیک ترکمان. تاریخ عالم آرای عباسی (تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۰). جلد اول: ۴۱۳.
۷. محمد تقی دانش پژوه. نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های اتحاد جماهیر شوروی، نسخه‌های خطی دفتر هشتم. (تهران: انتشارات کتابخانه مرکزی، ۱۳۵۸): ۹۹-۱۰۲.
۸. حاج سیاح. خاطرات حاج سیاح با دوره خوف و وحشت بکوشش حمید سیاح و بتصحیح سیف الله گلکار. (تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۶): ۳۸۲-۳۸۸.
۹. فریدون آدمیت. فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت. (تهران: انتشارات سخن، ۱۳۴۰): ۱۹۷.
۱۰. فرخی یزدی. دیوان با تجدید نظر کامل و مقدمه حسین مکی. (تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۷): ۶۹-۷۲.
۱۱. به اثر سانسور یا ممیزی بر کتاب و کتابخانه در مقاله دیگری اشاره کرده‌ام.
۱۲. احمد طاهری عراقی. همان مأخذ: ۱۰۰.
۱۳. کامران فانی، رده DSR تاریخ ایران: بازنویسی و گسترش تاریخ ایران در نظام کنگره، تنظیم و تدوین کامران فانی (تهران: مرکز خدمات کتابداری، ۱۳۵۹): ۶-۷.
- از این پس در متن: گسترش تاریخ ایران.
۱۴. گسترشها در نظام رده بندی کنگره: اسلام (۱۳۵۸)

تاریخ ایران (۱۳۵۹) زبانهای ایرانی (۱۳۵۰) ادبیات ایرانی (۱۳۵۹/۱۳۵۱) اسلام (۱۳۵۹/۱۳۵۳)	}	گسترشها در نظام رده بندی دیوئی:
---	---	---------------------------------

۱۵. نگاه کنید به احمد طاهری عراقی، همان مأخذ: ۱۵-۹۷.

۱۶. صفحاتی که از این پس در گمان می‌آیند مربوط به گسترش تاریخ ایران هستند.

۱۷. مقصود از شماره کاتر شماره‌هایی است که با استفاده از جدول کاتر کنگره به کشورهای جهان داده می‌شود.

18. *Library of Cogress Classification, History Class D. 2nd.ed.*